

پیشگفتار

از روزگاری که نخستین قصه‌ها در جوامع نوپای انسانی شکل گرفت و دهان به دهان و نسل به نسل نقل شد هزاره‌ها می‌گذرد. سرآغاز شکل‌گیری نخستین داستان‌ها چنان در غبار زمان پنهان شده است که نمی‌توان برای آن، زمان یا مکان مشخصی تعیین کرد؛ شاید بهترین داوری این باشد که قدمت داستان را به اندازه قدمت انسان بدانیم.

برپایه میراث کهن مشرق زمین، ملل شرق به‌ویژه کهن‌ترین کانون‌های پیدایش تمدن بشری مانند مصر، بین‌النهرین، فلات ایران، هند و چین، در عرصه داستان‌گویی و قصه‌پردازی نیز همانند بسیاری از دیگر مظاهر فرهنگ و تمدن، پیشگام و پیشتاز بوده‌اند. در این میان، هر چند پیشینه فرهنگ و ادبیات قوم عرب در مقایسه با ملل و اقوام کهن‌سال آسیا چندان طولانی نیست و از حدود قرن پنجم میلادی فراتر نمی‌رود، اما همین میراث فرهنگی و ادبی به‌جای مانده نشان می‌دهد که باوجود آنچه در میان بسیاری از محققان و ناقدان به پیروی از شرق‌شناسان به اشتباه رواج یافته است، نمی‌توان هنر قصه‌پردازی در ادبیات قدیم عربی را نادیده انگاشت و آن را تنها ارمغان ادبیات اروپا در قرن نوزدهم تلقی کرد و میراث ادبی عرب را منحصر در شعر دانست.

در بررسی ادبیات داستانی به‌طورکلی با دو نوع داستان سروکار داریم: داستان در مفهوم قدیم و داستان در مفهوم جدید. داستان در مفهوم قدیم، همان است که در ادبیات فارسی به آن، «قصه» یا «حکایت» گفته می‌شود و در ادبیات عربی نیز از داستان قدیم به‌نام‌های مختلفی همچون «السَّمَر، الخَبَر، الخُرَافَة، الحِکَايَة، القِصَة و النَادِرَة» یاد شده است. داستان به مفهوم جدید شامل رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، داستانک و مانند آن است که از اواخر قرن ۱۷م به‌تدریج در ادبیات اروپا و زیر تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی (رنسانس) شکل گرفت و از قرن ۱۹م به‌تدریج به ادبیات فارسی و عربی راه یافت.

بیست و یک

اگر بخواهیم با معیارهای امروزی دربارهٔ قصه‌های قدیم داوری کنیم، ناچار خواهیم بود وجود ادبیات داستانی در میراث ادبی کهن فارسی یا عربی را نادیده بگیریم و داستان را تحفهٔ ادبیات غرب بدانیم، همان‌گونه که بسیاری از خاورشناسان و صاحب‌نظران ادبیات عربی با داشتن چنین دیدگاهی وجود داستان در ادبیات قدیم عربی را نفی کرده‌اند. با چنین معیاری، به‌ناچار باید داستان در ادبیات کهن اروپا را - با وجود پیشینهٔ کهن ادبیات داستانی، نمایشی و نقد ادبی - نادیده انگاشت؛ درحالی‌که قصه‌ها و حکایت‌های قدیم را نمی‌توان و نباید کاملاً با معیارهای رمان و داستان کوتاه امروزی ارزیابی کرد. داستان به مفهوم عام آن در طول زمان دچار تحولات بسیاری شده و از اشکال اولیه و ابتدایی یعنی اسطوره، قصه و حکایت به تدریج به اشکال پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر یعنی رمان، داستان بلند و داستان کوتاه تبدیل شده است.

به نظر می‌رسد توجه بیش از حد ناقدان متقدم به شعر عربی و فرونهادن نقد نثر از سوی آنها، عامل اساسی صدور چنین احکام ناقص و اشتباه دربارهٔ ادبیات داستانی قدیم عربی بوده باشد، به طوری که در بیشتر آثار حوزهٔ نقد سخنی از نثر و نقد نثر نیست و بیشتر به نقد شعر و تبیین معیارهای آن اختصاص یافته است. هرچند که در نقد شعر هم اغلب به دلیل نگاه جزئی‌نگرانه به متن از دریافت زیبایی‌های مربوط به بافت کلی قصیده عاجز مانده‌اند. با فقدان روش‌های مطالعاتی کلی‌نگر و ساختارگرا، منتقدان ادبی چندان به قصه و حکایت نپرداخته‌اند، حتی در گذشته مفسران قرآن کریم و مؤلفان اعجاز قرآن نیز به قصه‌های قرآنی که حدود یک ششم قرآن را در بر می‌گرفت، توجه نداشته‌اند. از این رو داستان و ادبیات داستانی از سوی منتقدان ادب عربی با استقبال مواجه نشد. این بی‌توجهی را نمی‌توان دلیلی بر فقدان ادبیات داستانی در میراث ادبی قدیم عرب دانست، چنان‌که قصه‌ها و حکایت‌های به‌جا مانده از دوره‌های مختلف گواه این ادعاست.

در چنین شرایطی، با اثرپذیری از ادبیات داستانی نوین غربی در قرن ۱۹ م، این اندیشهٔ غلط در میان ناقدان ادب عربی راه یافت که ادبیات کلاسیک عربی فاقد داستان است، درحالی‌که با پژوهش میدانی و فن‌شناسانه بر روی انواع و اشکال داستانی قدیم عربی هرگز با چنین احکام سطحی، ناقص و اشتباه مواجه نمی‌شدیم. این پژوهش

امیدوار است با بررسی انواع و اشکال داستانی قدیم عربی از دوران پیش از اسلام تا آغاز دوران معاصر و با رویکرد گونه‌شناسی داستانی، بتواند پرده ابهام از چرایی، چگونگی و چیستی داستان در ادبیات کلاسیک عربی بزدايد.

بدیهی است شناخت هنر و ادبیات داستانی قدیم عربی و گونه‌شناسی آن، در فهم ادبیات داستانی نوین عربی بسیار مؤثر خواهد بود. در چند دهه اخیر درباره ادبیات قدیم عربی در جهان عرب کارهایی سودمند صورت گرفته است که هیچ یک از آنها با رویکرد و روش کار ما، که به تفصیل به آن خواهیم پرداخت، صورت نگرفته است. همچنین در ایران، درباره ادبیات داستانی قدیم عربی، آن هم با این مضمون، روش و رویکرد، هنوز کاری صورت نگرفته است.

شایسته است نخست پژوهش‌های پیشین در این زمینه معرفی شود:

پیشینه تحقیق

برخی از آثاری که منحصراً به ادبیات داستانی قدیم عرب پرداخته‌اند و در جهان عرب نوشته شده‌اند عبارتند از:

- *القصة العربية في العصر الجاهلي* نوشته علی عبدالحلیم محمود، القاهرة، دارالمعارف، ۱۹۷۵م. به گفته نویسنده، نخستین کتابی است که منحصراً درباره ادبیات داستانی پیش از اسلام نوشته شده است.
- *القصة العربية ... عصر الإبداع، دراسة للسرد القصصي في القرن الرابع* نوشته ناصر عبدالرزاق الموفی، القاهرة: دارالنشر للجامعات، ۱۹۹۷م. که به موضوع مقامه‌نویسی در قرن چهارم هجری اختصاص یافته است.
- *قصص الحيوانات في الأدب العربي القديم* نوشته داوود سلوم، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۹۸م. این اثر به معرفی داستان از زبان حیوانات در ادبیات قدیم عربی اختصاص دارد.
- *الأدب القصصي عند العرب* نوشته محمود تیمور، نویسنده کتاب به بیان کلی تاریخچه ادبیات داستانی قدیم عربی پرداخته است.
- *الأدب القصصي عند العرب* نوشته موسی سلیمان، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۳م.

نویسنده در این کتاب، به انواع مختلف داستانی در ادبیات قدیم عربی پرداخته و آنها را در پنج گروه داستان‌های خبری، دینی، پهلوانی، لغوی و فلسفی تقسیم کرده است.

- *القصص اللغوی و الفلسفی* نوشته موسی سلیمان. بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۵م.

نویسنده در این کتاب به دو نوع قصه‌های لغوی یعنی فن مقامه‌نویسی، و قصه‌های فلسفی پرداخته و چند نمونه‌ای را بررسی و تحلیل کرده است.

- *موسوعة السرد العربی* نوشته عبدالله ابراهیم، بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر، ۲۰۰۵م. در این کتاب به شیوه دایرةالمعارفی به سیر تحول داستان‌گویی و تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی بر داستان‌پردازی و روایت داستان در ادبیات عربی پرداخته شده است.
- *الخبر فی الأدب العربی*، نوشته محمد القاضی، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۸م.

در این کتاب، انواع داستانی و شبه داستانی که در ادبیات قدیم عرب به «خبر» شهرت داشته، بررسی شده است. موضوع اصلی این اثر، «روایت حکایت و اخبار» و بررسی انواع حکایت‌ها و اخبار گذشتگان در منابع مختلف ادبی و تاریخی است.

- *فنون النثر الأدبی فی آثار لسان‌الدین بن خطیب*، نوشته محمد مسعود جبران، بیروت، دارالمدار الإسلامی، ۲۰۰۴م. که درباره انواع نثر در آثار لسان‌الدین بن خطیب، ادیب معروف اندلسی است.
- *الفنون الأدبیة فی العصر الأموی*؛ نوشته سجع الجبیلی و قُصی الحُسن، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۵م. به انواع ادبی رایج در عصر بنی‌امیه اختصاص یافته و اشاره کوتاهی هم به مبحث داستان شده است.
- *أعلام النثر الفنی فی العصر العباسی*، نوشته عمر الدقاق، حلب، دارالقلم العربی و دارالرفاعی، ۲۰۰۴م. در این کتاب چهره‌های معروف نثر فنی در عصر عباسی و آثار و سبک نویسندگی آنها معرفی شده است.
- *الفن القصصی العربی القديم*، نوشته عزة الغنام، قاهرة، الدار الفنیة للنشر و التوزیع، بی‌تا.

نویسنده به معرفی اجمالی انواع مختلف داستان در ادبیات قدیم عربی پرداخته است.

- *الفن القصصی فی النثر العربی حتی مطلع القرن الخامس الهجری*، نوشته رکان صفدی،

دمشق، ۲۰۱۱م. نویسنده کتاب به بررسی سیر تحول ادبیات داستانی عربی از آغاز تا قرن پنجم هجری و مطالعه گونه‌شناسانه آن قصه‌ها پرداخته و عوامل اجتماعی مؤثر بر این روند را بررسی کرده است.

بیشتر پژوهش‌هایی که در ایران در این زمینه صورت گرفته جز مواردی، بیشتر مقالات دانشگاهی است، از جمله:

• *ادبیات داستانی در ایران و ممالک اسلامی*، نوشته یعقوب آژند، تهران، آرمین، ۱۳۷۴ش.

• «عنصر شخصیت در مقامات حمیدی و حریری»، حسن دادخواه و لیلا جمشیدی، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۶ش.

• «مقارنه بین مقامات بدیع الزمان الهمدانی و مقامات حمیدالدین البلخی من منظر الطابع القصصی»، هومن ناظمیان، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال هفدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۸۶ش.

• «عنصر صحنه در مقامات حریری و حمیدی»، حسن دادخواه و لیلا جمشیدی، *کاوش‌نامه*، سال نهم، ویژه‌نامه عربی، ۱۳۸۷ش، ضمیمه شماره ۱۷.

• *تحلیل داستان از زبان حیوانات در ادبیات قدیم عربی بر اساس الگوی ساختارگرایی پراپ*، هومن ناظمیان، رساله دکتری به راهنمایی دکتر خلیل پروینی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷ش.

• «تفاوت سبک شخصی مقامات حمیدی و حریری (با بررسی مقامه شتویه)»، غلامرضا ستوده و محمد باقر شهرامی، *بهار ادب*، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸ش.

• «بررسی تطبیقی عناصر داستان در مقامات حریری و مقامات حمیدی»، علیرضا نبی‌لو، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰ش.

در مقالات یاد شده تنها انواع داستانی قدیم معرفی شده و فاقد جنبه تحلیلی است. به‌ویژه اینکه در هیچ‌کدام از این آثار، به سیر تحول ادبیات داستانی عربی براساس دوره‌های مختلف تاریخی توجه نشده است. در مواردی مانند کتاب *الموافق* موضوع کتاب به یکی از انواع داستانی قدیم محدود است. به همین دلیل بر آن شدید تا با

تألیف این کتاب، افزون به نگاهی کلی بر ادبیات داستانی قدیم عربی تا آغاز دوران معاصر، ضمن پرهیز از تقسیم‌بندی تحولات ادبی بر مبنای حکومت‌ها و سلسله‌ها، بر گونه‌شناسی انواع مختلف داستانی متمرکز شویم و با ذکر نمونه‌هایی از قصه‌ها و داستان‌های مختلف و نیز ترجمه و بیان ویژگی‌های هنری و گاه تحلیل عناصر داستانی، خوانندگان این اثر را با سیر تحول ادبیات داستانی بیشتر و بهتر آشنا کنیم.

روش کار

شیوه نگارندگان در تألیف این کتاب این است که به‌جای پیروی از روش‌های مرسوم مطالعات تاریخ ادبیات عربی که برپایه تحولات سیاسی و ظهور و افول سلسله‌ها و حکومت‌ها و یا تقسیم‌بندی دوره‌های ادبی براساس گاهشماری سیاسی است، زیربنای پژوهش خود را بر گونه‌شناسی ادبیات داستانی عربی قدیم و مطالعه و بررسی سیر تحول و تکامل آن قرار دهیم بدین ترتیب، ادبیات داستانی عربی قدیم به یازده گونه تقسیم می‌شود که به شرح زیر است:

- ۱) حکایت‌های تاریخی و واقعی، ۲) داستان‌های دینی، ۳) حکایت‌های صوفیانه،
- ۴) داستان‌های فلسفی، ۵) حکایت‌های تمثیلی، ۶) داستان‌های ضرب‌المثل‌ها،
- ۷) داستان‌های خرافی و افسانه‌ها، ۸) داستان‌های تخیلی، ۹) قصه‌های عامیانه،
- ۱۰) مقامه‌نویسی، ۱۱) سفرنامه‌ها.

هر یک از این گونه‌های داستانی، در دوره‌های مختلف ادب عربی قدیم بررسی شده است. همچنین به‌منظور آشنایی مخاطبان با متن و اسلوب داستان‌ها، نمونه‌هایی از داستان‌ها به زبان عربی آورده‌ایم و برای خوانندگانی که دانش زبان عربی آنها کافی نیست، متن عربی قصه‌ها حرکت گذاری و ترجمه شده است. برای سهولت مطالعه، متن عربی اکثر حکایت‌ها و داستان‌ها را در پایان هر فصل آورده‌ایم تا علاقه‌مندان بتوانند به متن اصلی این قصه‌ها دسترسی داشته باشند. در مواردی نیز مانند قصص قرآن، از جمله تحلیل عناصر داستانی سوره یوسف (ع)، همچنین برخی حکایت‌های صوفیانه و بخش‌هایی از سفرنامه‌ها به دلیل اقتضای سیاق کلام، متن عربی در خلال بخش اصلی ذکر شده است. شایان ذکر است در تحلیل عناصر داستانی، از تحلیل

داستان‌هایی که ساده بودند و در حدّ و اندازه حکایت‌های ساده تاریخی یا صوفیانه بودند صرف‌نظر شده است در عین حال، اشارات کلی بر جنبه‌های داستانی آنها شده است. نکته دیگر آن است که برخی فصل‌ها مانند داستان‌های صوفیانه به علت ماهیت آن، نسبت به برخی داستان‌ها، حجم کمتری به خود اختصاص داده‌اند. اولاً داستان بودن آنها عموماً بسیار ضعیف است، ثانیاً نمونه‌های آنها کم است، لذا مطالب این فصل حدود ۱۲ صفحه شده است و آخرین نکته قابل ذکر در اینجا مربوط به اعراب‌گذاری متون عربی و ترجمه آنهاست که اولاً همه این ترجمه‌ها از مؤلفان کتاب است، ثانیاً از ترجمه برخی نمونه‌ها به لحاظ آسان بودن صرف‌نظر شده است و ثالثاً هدف از ترجمه نمونه‌ها علاوه بر جنبه آموزشی آن برای دانشجویان در سطوح پایین، استفاده عموم علاقه‌مندان به ادبیات داستانی است که رشته تخصصی آنها زبان و ادبیات عربی نیست. شایان ذکر است تقسیم‌بندی‌هایی که درباره انواع داستان‌ها بیان کرده‌ایم، قطعیت ندارد و اصولاً چنین تقسیماتی در ادبیات داستانی نمی‌تواند مرزبندی‌های قاطعانه‌ای میان انواع مختلف داستانی به وجود بیاورد؛ زیرا برخی از این انواع را می‌توان در چند گروه جای داد؛ مثلاً قصص انبیا را می‌توان هم در زمره داستان‌های واقعی و تاریخی ذکر کرد و هم داستان‌های دینی. همچنین برخی سفرنامه‌های آمیخته با خیال‌پردازی جهانگردان قدیم را می‌شود در زمره سفرنامه‌های خیالی و داستان‌های خرافی و افسانه‌ها طبقه‌بندی کرد. سیره‌نویسی نیز به‌ویژه سیره رسول اکرم (ص) و اهل بیت آن حضرت از جمله انواعی است که هم در داستان‌های دینی جای می‌گیرد و هم می‌توان آنها را جزئی از داستان‌های تاریخی و واقعی دانست. داستان‌های فلسفی نیز جنبه تمثیلی دارند و می‌توان آنها را در زمره ادبیات تمثیلی دانست.

مخاطبان این کتاب

این کتاب برای تمام علاقه‌مندان، استادان و دانشجویان محترم زبان و ادبیات عربی، حاوی مطالب ارزشمندی خواهد بود. همچنین دید آنها را نسبت به ادبیات قدیم عربی و به‌ویژه ادبیات داستانی قدیم عربی تغییر خواهد داد و مقدمه‌ای خواهد بود برای شکل‌گیری تحقیقات عالمانه‌تر و عمیق‌تر بعدی، از این رو می‌تواند در تدریس دروسی

بیست و هفت

مانند ادبیات داستانی (در دورهٔ ارشد)، نقد ادبی (در دورهٔ ارشد و دکتری)، تاریخ ادبیات، نشر قدیم عربی (دورهٔ ارشد و دکتری)، و برخی دروس رشتهٔ ترجمه، بررسی شاهکارهای ادبیات داستانی، برای استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و علاقه‌مندان به آشنایی با ادبیات داستانی کهن عربی مفید باشد. البته می‌توان این کتاب را به عنوان یک کتاب مبنایی در حوزهٔ ادبیات داستانی نیز تلقی کرد که مخاطب آن تمام علاقه‌مندان به ادبیات داستانی و محققان فارسی‌زبان خواهند بود در پایان از همهٔ استادان دانشمند و محققان علاقه‌مند به ادبیات داستانی، درخواست می‌شود با ارائهٔ آراء و دیدگاه‌های اصلاحی و پیشنهادهای سازندهٔ خود، ما را در تکمیل آن، یاری دهند.

تقدیر و تشکر

نگارش این کتاب با این شکل و محتوا مرهون دقت نظر، راهنمایی‌های عالمانه و ارزیابی‌های نکته‌بینانهٔ استادان بزرگوار و فرزانه جناب آقای دکتر فرامرز میرزایی و جناب آقای دکتر بابک فرزانه است که طی دو مرحله، زحمت مطالعه، بررسی و ارزیابی این کتاب را متحمل شدند و ما را رهین منت خویش ساختند. بدین وسیله از تلاش‌های بی‌دریغ این دو بزرگوار سپاسگزاری می‌کنیم.

همچنین شایسته است از زحمات بی‌شائبهٔ دست اندرکاران محترم مرکز نشر دانشگاه تربیت مدرس، به‌ویژه جناب آقای دکتر جواد نیستانی (رئیس پیشین مرکز) و جناب آقای دکتر امیر شاه کرمی (رئیس محترم کنونی مرکز) و سرکار خانم فروهی (معاون مرکز) و سرکار خانم طالبی (کارشناس محترم مرکز نشر دانشگاه تربیت مدرس) تشکر و قدردانی شود.

دکتر هومن ناظمیان

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی
دانشگاه خوارزمی

دکتر خلیل پروینی

استاد گروه زبان و ادبیات عربی
دانشگاه تربیت مدرس